

توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)

محمد رضا رضوانی، دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، ایران*
علی اکبر متکان، دانشیار سنجش از دور، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
حسین منصوریان، کارشناس ارشد سنجش از دور، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
محمد حسین ستاری، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف است. این مهم به دلیل اهمیت روزافزون مطالعات کیفیت زندگی در پایش سیاست‌های عمومی و نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است. کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود. هدف مطالعه حاضر، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در شهر نورآباد، استان لرستان با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پیمایش خانوارهای شهری در شهر نورآباد جمع‌آوری شده و البته از برخی داده‌های ثانویه نیز بهره‌برداری گردیده است. ۳۵۲ خانوار از بین تمام محلات شهر به شیوه تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. روش‌های آماری از قبیل تحلیل عاملی، تحلیل رگرسیون چندگانه، ANOVA و T-test برای سنجش کیفیت زندگی و تحلیل و ارزیابی روابط آن با برخی از خصوصیات فردی استفاده شد. مقایسه نتایج کیفیت عینی و ذهنی زندگی در شهر نورآباد نشان می‌دهد که ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی و ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند؛ در حالی که ۲۴/۴ درصد آنها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته‌اند. هر چند که همبستگی بین ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی بالا نیست، اما به طور کلی، یافته‌های تحقیق اهمیت مطالعه همزمان ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد، که می‌تواند به پیشبرد مطالعات کیفیت زندگی شهری کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی شهری، شاخص‌های عینی، شاخص‌های ذهنی، شهر نورآباد

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند که خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند. اما، نواحی شهری با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن و ترافیک روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهند. با این وجود سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در سطوح بین‌المللی و ملی بر قابلیت شهرها برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تاکید دارند (UNFPA, 2007:13).

مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری در سال‌های اخیر مورد توجه گسترده بوده‌است. محققان رشته‌های گوناگون از جمله شهرسازی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، بازاریابی و مدیریت در این عرصه مشارکت داشته‌اند. اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی متفاوت هستند. به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود، تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل‌گرایانه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارایه نشده است (Kamp et al, 2003:5). از طرف دیگر،

کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷). شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به دست می‌آیند، در حالی که شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه به دست می‌آیند. علاوه بر این، نظریه‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی به شکل امروزی آن عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. این مطالعات در کشورهای در حال توسعه به طور قابل توجهی کم هستند. همین‌طور، فاکتورهای عمده تاثیرگذار بر کیفیت زندگی مردم در شهرهای کشورهای در حال توسعه به طور واضح شناسایی نشده‌اند. بنابراین، طرح مسأله این تحقیق عمدتاً در فقدان مطالعات تجربی در زمینه کیفیت زندگی در شهرهای کشورهای در حال توسعه و عدم ارزیابی کیفیت زندگی از طریق ترکیب ابعاد عینی و ذهنی خلاصه می‌شود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که توافق عمومی در میان محققان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری وجود دارد. این مطالعات غالباً وظایف کلیدی از قبیل آگاه کردن شهروندان، گروه‌های اجتماعی و سیاستگذاران از روندهای کیفیت زندگی را بر عهده دارند. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی

را شکل می‌دهد. از این‌رو، این مطالعه می‌تواند اطلاعات مفیدی را در زمینه بهبود روش‌شناسی مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران و برنامه‌ریزی توسعه به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان شهر نورآباد فراهم نماید.

۱-۳- اهداف تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد است و اهداف فرعی آن عبارت است از:

- ۱-۳-۱- سنجش کیفیت ذهنی زندگی و سطح رضایت از معرف‌های مختلف مربوط به قلمروهای محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی در شهر نورآباد؛
- ۱-۳-۲- شناسایی ابعاد کیفیت عینی و ذهنی زندگی و ایجاد شاخص تجمعی کیفیت زندگی با استفاده از معرف‌های عینی؛

۱-۳-۳- بررسی تاثیر خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی مردم؛ و

۱-۳-۴- سنجش کیفیت کلی زندگی از طریق ترکیب جنبه‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در شهر نورآباد.

۱-۴- سؤال‌های تحقیق

در راستای اهداف تحقیق، سؤال‌های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱-۴-۱- سطح کیفیت ذهنی زندگی و میزان رضایت شهروندان از معرف‌های مختلف مربوط به قلمروهای

مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسایل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای باز شناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه ریزی آینده استفاده شوند (Lee, 2008:1207). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. در این راستا ساتوس و مارتینز اشاره می‌کنند که مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند پشتیبان مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلند مدت باشد (Santos and Martins, 2007:413).

شهرنشینی در کشور ما به سرعت در حال رشد است و بر اساس نتایج سرشماری جمعیت در سال ۱۳۸۵، بیش از ۶۸ درصد آن شهری است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵:۱). این در حالی است که در حدود یک سده پیش تنها ۱۰ درصد از جمعیت کشور در شهرها سکونت داشتند. با این وجود فرصت‌ها، منابع و امکانات مورد نیاز برای توسعه و تامین نیازهای انسانی به طور مناسبی در شهرها تامین نشده است. علاوه بر این، مطالعات چندانی در خصوص کیفیت زندگی شهری در ایران انجام نگرفته است، که این وضع یکی از انگیزه‌های انجام این مطالعه

نواحی روستایی مقاله دیگری است که توسط دکتر رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ تدوین شده است. در این مطالعه برای سنجش کیفیت زندگی، چارچوبی مفهومی براساس نیازهای انسانی ارائه شده است، که در آن پیوند مفهومی بین دو رویکرد عمده کیفیت زندگی - عینی و ذهنی - در نظر گرفته شده است. در این مطالعه، کیفیت زندگی عبارت است از دو مقدار متمایز برای ارزیابی هر شاخص مربوط به نیازهای انسانی، که یکی میزان برآورده شدن عینی و ذهنی نیاز و دیگری اهمیت نسبی نیاز را مورد توجه قرار می‌دهد. دکتر سعیده گروسی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای تحت عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان به شناسایی سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی و ارتباط این دو متغیر در محلات مختلف شهر کرمان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی در دسترس با سطح کیفیت زندگی ارتباط معنی‌دار دارد و ارتباط این دو متغیر تابعی از سطح محله است؛ علاوه بر این، بالا نبودن سطح کیفیت زندگی در بین شهروندان تحت تاثیر سطح نسبتاً متوسط سرمایه اجتماعی ایشان است. دکتر غلامرضا غفاری و همکارانش در سال ۱۳۸۷ به بررسی مفهوم کیفیت زندگی در محتوای برنامه‌های توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در هیچ کدام از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاستگذاری ارتقا نیافته‌اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده‌اند و به مسایل اجتماعی از منظر اقتصادی نگاه شده و برنامه‌ها در قبل و بعد از انقلاب تحت تاثیر

فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی زندگی در شهر نورآباد چگونه است؟

۱-۴-۲- ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی در شهر نورآباد کدامند؟

۱-۴-۳- کدام خصوصیات فردی تغییرات کیفیت زندگی در شهر نورآباد را تبیین می‌کنند؟

۱-۴-۴- چگونه می‌توان با ترکیب ابعاد عینی و ذهنی به اندازه‌گیری کیفیت کلی زندگی دست یافت؟

۱-۵- پیشینه تحقیق

تئوری‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه و به تبع آن در ایران به طور قابل توجهی کمیاب هستند. در سال‌های اخیر مقالاتی در این زمینه در مجلات علمی داخل و خارج کشور منتشر شده است. دکتر اسفندیار زبردست به بررسی قلمرو مسکن کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سکونتگاه‌های حاشیه کلانشهر تهران پرداخته است. در این مقاله با استفاده از تحلیل عاملی هفت قلمرو فرعی مسکن برای کیفیت زندگی همچون امکانات، کیفیت و استحکام مسکن شناسایی شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین دلایل مهاجرت به سکونتگاه‌های حاشیه‌ای تهران و قلمروهای فرعی مسکن کیفیت زندگی وجود دارد. دکتر رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای مروری به بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌های کیفیت زندگی و ارائه مدلی برای سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی پرداختند. ارزیابی کیفیت زندگی در

الگوهای جهانی قرار داشته‌اند. ایشان همچنین در کتاب "کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه اجتماعی" ابتدا خاستگاه مفهومی کیفیت زندگی و رویکردهای مختلف در آن را بیان نموده و سپس با بررسی مدل مفهومی و نظری سازی کیفیت زندگی به ارزیابی کیفیت زندگی با روش تحلیل محتوی اقدام نموده‌اند (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱).

در سال‌های اخیر مطالعات تجربی فراوانی به منظور سنجش کیفیت زندگی در کشورهای مختلف دنیا و به خصوص شهرهای کشورهای توسعه یافته انجام گرفته است. لی و ونگ در سال (۲۰۰۷) با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپلیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارایه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور در درون چارچوب GIS برای ارزیابی کیفیت زندگی در شهر ایندیانا پلیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیر همبسته کیفیت زندگی از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی براساس وزن دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات به دست آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. لی در سال ۲۰۰۸ با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. در این راستا ۳۳۱ نفر از ساکنان شهر تایپه به منظور پیمایش ارزیابی ذهنی ساکنان از کیفیت زندگی مورد مطالعه گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محل زندگی، زناشویی، سن، تحصیلات، و درآمد قلمروهای مختلف رضایت را تحت تاثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن، وضعیت اجتماع، تعلقات محلی، و رضایت

از محله بیشترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارند. سانتوس در سال ۲۰۰۷ به سنجش کیفیت ذهنی زندگی در شهر پورتو پرداخته است. در این مطالعه نظرات شهروندان در مورد میزان رضایت از حوزه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری با استفاده از تحلیل چند متغیری مورد بررسی قرار گرفته است. محققان دیگری همچون (Ibrahim, Bramston et al(2002) Foo (2000) and Chang(2003) نیز با استفاده از شاخص‌های ذهنی به بررسی و مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری پرداخته‌اند. داس در سال ۲۰۰۸ چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل رویکردی پایین به بالا را پیشنهاد می‌کند که در آن هر دوی شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این چارچوب محیط خارجی زندگی یعنی بعد عینی را با ادراک افراد از محیط زندگیشان یعنی بعد ذهنی ترکیب می‌کند. محققان دیگری از قبیل (Mccrea et al(2006), Higgs(2007), (2008) Brereton et al و (2008) Rojas نیز با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی به مطالعه کیفیت زندگی پرداخته‌اند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان گفت که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش‌شناسی واحدی برای تعیین قلمروها و معرف‌های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به هر قلمرو و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه،

شرایط عینی زندگی است، در حالی که در سؤال‌های بخش ذهنی سعی شده میزان رضایت ادراک شده از شرایط عینی زندگی ارزیابی شود. سؤال‌های مربوط به ابعاد عینی و ذهنی نیز شامل قلمروهای محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی است.

سؤال‌های مورد استفاده برای اخذ بعد ذهنی کیفیت زندگی، شامل ۲۵ سوال بسته در طیف لیکرت ۱۱ مقیاسی از کاملاً ناراضی=۰ تا کاملاً راضی=۱۰ هستند. سؤال‌های مورد استفاده برای بعد عینی متشکل از سؤال‌های بسته و سؤال‌های باز است که به امتیاز بین ۰ تا ۱۰ تبدیل شده‌اند. پرسشنامه در بعد ذهنی با سوالی در مورد کیفیت کلی زندگی شروع می‌شود و به دنبال آن سؤال‌هایی در مورد میزان رضایت از قلمروهای مختلف زندگی مطرح شده و در انتهای آن دوباره وضعیت کیفیت کلی زندگی سوال می‌شود. سوال آخر در زمینه کیفیت زندگی، به عنوان مبنایی برای تحلیل‌های بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

به منظور سنجش اعتبار درونی ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این راستا با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از ۳۰ پرسشنامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. تحلیل عاملی برای کشف

قضوت‌های شخصی محقق، ویژگی‌های ناحیه مورد مطالعه و داده‌های در دسترس صورت می‌گیرد و تفاوت‌های عمده در مدل‌های کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص‌ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱-۶- روش شناسی

این مطالعه تجربی عمدتاً مبتنی بر داده‌های اولیه است. برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه پیمایش نمونه در شهر نورآباد در سطح خانوار انجام شده است. جامعه آماری شامل تمام خانوارهای ساکن در شهر نورآباد بود که با توجه به جمعیت این شهر، ۳۵۲ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به محدودیت‌های زمانی و مالی پژوهش تعیین شد. برای جمع‌آوری اطلاعات، شهر نورآباد با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی به ۱۰ ناحیه تقسیم و در هر ناحیه به صورت تصادفی ساده، اطلاعات مورد نیاز از سرپرست خانوار و یا یکی از اعضای بالای ۱۸ سال خانوار توسط پرسشنامه جمع‌آوری شد. با توجه به جمع‌آوری اطلاعات از ۳۵ خانوار در هر ناحیه، تعداد خانوارهای مورد مطالعه ۳۵۲ خانوار است.

پرسشنامه استفاده شده حاوی سؤال‌هایی در مورد اطلاعات جمعیت شناختی، ابعاد عینی و ابعاد ذهنی کیفیت زندگی است. سؤال‌های بخش عینی مرتبط با

مفهوم صورت نگرفته است. زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است.

لیو (Liu) در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را «عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود» توصیف کرده است. مولر (Moller) در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند. فو (Foo) در سال ۲۰۰۰ کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می‌داند. پسیون (Pacione) در سال ۲۰۰۳ کیفیت زندگی را این گونه تعریف می‌کند: اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (مثل آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم (مثل سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. کوستانزا و همکاران (Costanza et al) در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را به عنوان میزان تامین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کند. داس (Das) در سال ۲۰۰۸ کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان واژگان کلیدی مورد استفاده در تعریف کیفیت زندگی را این‌گونه خلاصه کرد: واقعیات عینی، ادارک ذهنی، برخورداری، بهزیستی، رضایت از زندگی و نیازهای انسانی.

ابعاد کیفیت عینی و ذهنی زندگی مورد استفاده قرار گرفت. از تحلیل رگرسیون چندگانه برای ایجاد مدل ساده کیفیت ذهنی زندگی و از تکنیک‌های آماری ANOVA و T-test برای ارزیابی تاثیر خصوصیات فردی بر کیفیت زندگی استفاده شده است. سازگاری درونی بخش ذهنی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ بررسی شده است.

۱-۷- محدود و قلمرو پژوهش

این مطالعه در شهر نورآباد، یکی از شهرهای استان لرستان انجام گرفته است. شهر نورآباد در دهه اخیر دارای نرخ رشد جمعیتی بسیار بالایی بوده است. بطوری‌که جمعیت آن از ۸۷۳۴ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵۶۵۳۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نرخ رشد سالانه جمعیت در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ در این شهر برابر ۶/۴۲ است. این روند شتابان ناشی از مهاجرت‌های روستایی و بالا بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت است.

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

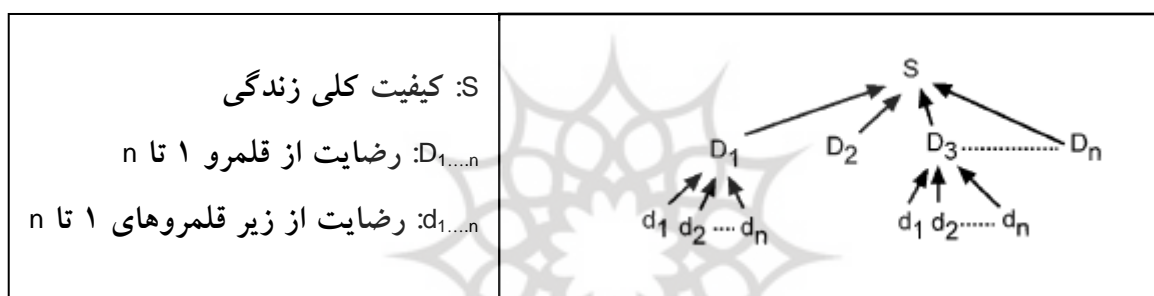
۱-۲- تعاریف و مفاهیم

کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای است که دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنج‌های برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و ... تفسیر کرده‌اند (Epley and Menon, 2007:281). با این وجود، هنوز تعریف قابل قبول جهانی برای این

۲-۲- رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری

در مطالعات کیفیت زندگی شهری دو رویکرد ذهنی و رویکرد عینی وجود دارد (Lee, 2008:1206). این رویکردها غالباً به طور مجزا از همدیگر و به ندرت در ترکیب با هم برای سنجش کیفیت زندگی شهری به کار می‌روند. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری

است. در یکی از مهمترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش، زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. این روش را می‌توان به صورت تصویری در شکل (۱) مشاهده کرد. این مدل نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در کل یک مجموع وزن داده شده از میزان رضایت در قلمروها و جنبه‌های مختلف زندگی است.



شکل شماره ۱- کیفیت زندگی به عنوان ترکیبی از مؤلفه‌های رضایت در قلمروهای مختلف زندگی (Pacione, 2003:24)

شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد (Das, 2008:304). ابراهیم و چانگ اظهار کرده‌اند که استفاده از هر دو پاسخ دستیابی به سنجش‌های دقیق‌تر کیفیت ذهنی زندگی را تسهیل می‌کند (Ibrahim and Chung, 2003:210). لی بیان می‌کند که کیفیت باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست (Lee, 2008:1208). وی همچنین معتقد است که شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح‌تر است، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و

در روش دیگر، کیفیت ذهنی زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و به عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی همچون مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و ... مورد سوال قرار می‌گیرند و هنگامی که افراد به این سؤال‌های پاسخ دادند، احساس آنها در مورد زندگی به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرد. در نتیجه آنها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ

رابطه‌ای قوی بین این دو نوع شاخص وجود دارد. در حالی که مک کری و همکاران (McCrea et al., 2006:79) و داس (Das, 2008: 308) به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای ضعیف بین کیفیت عینی و ذهنی زندگی وجود دارد.

۲-۳- چارچوب مفهومی تحقیق

در تحقیق حاضر کیفیت زندگی به عنوان نتیجه حاصل از تامین نیازهای انسانی از طریق منابع، امکانات و فرصت‌های فراهم شده توسط محیط از یکطرف و ادارک و ارزیابی و رضایت افراد از تامین نیازهای خود از طرف دیگر تعریف شده است. از این رو نیازهای انسانی و منابع لازم برای تامین این نیازها دو عنصر کلیدی در تعریف کیفیت زندگی هستند. نیازهای انسانی شامل نیازهای فیزیکی، زیستی، روانی، اقتصادی و اجتماعی هستند که در زندگی هر انسانی وجود دارند. این نیازها بوسیله منابع، فرصت‌ها و امکانات موجود در محیط تامین می‌شوند. بنابراین می‌توان کیفیت زندگی را به عنوان میزان توانایی محیط برای تامین منابع ضروری جهت تامین نیازهای روزمره زندگی انسان تفسیر کرد.

کمپ و همکارانش معتقدند که توافقی در ادبیات کیفیت زندگی وجود دارد که براساس آن مولفه‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، اساس اجتماع محلی را تشکیل می‌دهند و این مولفه‌ها به طور سیستماتیک برای معرفی محتوای مفاهیم قابلیت زیست‌پذیری، پایداری و کیفیت زندگی استفاده شده‌اند (Kamp et al., 2003: 8). شافر و همکارانش نیز اظهار داشته‌اند که شیوه مناسب برای بیان رابطه بین این مولفه‌ها از طریق اکوسیستم است، یعنی جایی که ارگانیزم‌ها با یکدیگر در تعامل هستند (Shafer et al., 2000: 165). در اینجا اکوسیستم انسانی شامل دو عامل زیست- فیزیکی و اجتماعی از

سیاستگذاران فراهم می‌کنند. با وجود این، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. یکی از دلایل پایایی کمتر گزارشات ذهنی، ناتوانی این شاخص‌ها برای نمایش وضعیت محیط زندگی مردم است (Das, 2008:298).

کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد (Das, 2008:298). کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و ... حاصل می‌شود. واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. فو اظهار می‌کند که شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌تواند کیفیت واقعی زندگی را نمایش دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند (Foo, 2000:34).

توافقی عمومی در میان محققان کیفیت زندگی وجود دارد که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی امکان به‌دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد. بنابراین هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی باید در برگیرنده جنبه‌های عینی و ذهنی باشد. سنجش کیفیت زندگی بدین شکل می‌تواند از توان هر دو رویکرد برای رسیدن به اطلاعات قابل اعتماد و قابل اطمینان‌تر درباره کیفیت زندگی استفاده کند. با این وجود، بحث‌های متناقضی در مورد شدت رابطه بین کیفیت عینی و ذهنی زندگی وجود دارد. مثلاً برتون و همکاران (Brereton et al., 2008:393) نشان دادند که

کیفیت زندگی بوسیله ویژگی‌های درونی و شخصی مردم و بوسیله محیط بیرونی یا اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به عبارتی کیفیت زندگی هر فرد علاوه بر محیط بیرونی تحت تاثیر مکانسیم درونی و ارزیابی فرد از جهان واقعی نیز قرار دارد. همان طور که اندازه‌گیری کیفیت زندگی نیازمند به انعکاس احساسات ذهنی مردم در مورد زندگی آنهاست، نیازمند به اندازه‌های عینی مثل دسترسی به منابع و محیط زندگی است. بنابراین، هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی باید در برگیرنده جنبه‌های عینی و ذهنی باشد.

نول (Noll, 2000) اظهار می‌کند که می‌توان بر حسب سطوح کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی، ماتریسی ۲*۲ شامل حالت‌های بهزیستی، محرومیت، انطباق و ناهماهنگی را مفهوم سازی کرد (Rapley, 2003: 30).

قبیل فرد، اجتماع، خانواده، نهادهای اجتماعی، نظم اجتماعی، فرهنگ، محیط طبیعی و مصنوع است. علاوه بر این، همانند هر اکوسیستم، این رابطه، پویا و متقابل است. انسان‌ها وابسته به محیط خود برای ارضای نیازها هستند، اما در اصل تغییر محیط نیز انجام می‌گیرد. کامانگی و همکارانش نیز به مولفه‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی اشاره کرده‌اند و معتقدند که تعادل این مولفه‌ها، کیفیت زندگی را در هر لحظه از زمان تحت تاثیر قرار می‌دهد (Camagni et al., 1998: 105). محققان دیگری از قبیل هاردی (Hardi, 2006:136)، رینر (Rinner, 2007: 912) و تالن و همکاران (Talen et al., 2007:595) نیز اظهار داشته‌اند که محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی هسته اصلی مطالعه کیفیت زندگی را شکل می‌دهند.

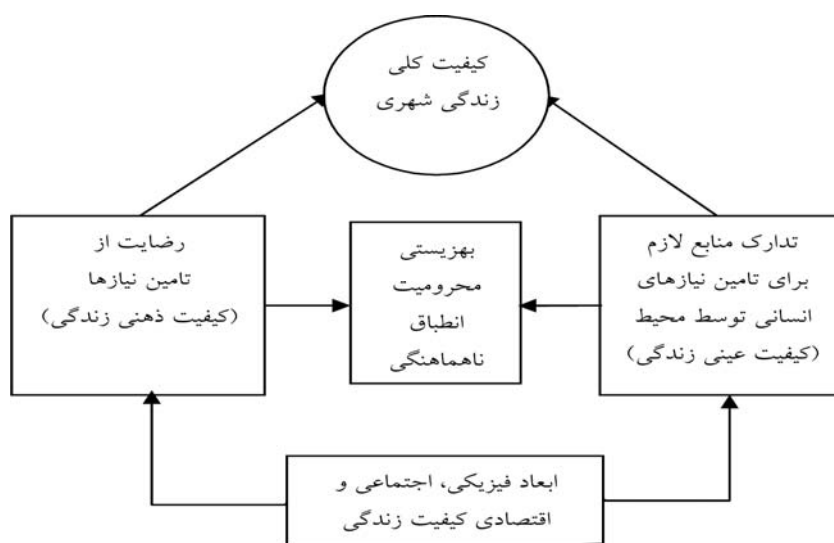
ارزیابی ذهنی		شرایط عینی زندگی
بد	خوب	
ناهماهنگی (ثروتمند ناشاد)	بهزیستی (ثروتمند شاد)	خوب
محرومیت (فقیر ناشاد)	انطباق (فقیر شاد)	بد

شکل شماره ۲- حالات مختلف کیفیت زندگی با ترکیب ابعاد عینی و ذهنی Source: Rapley, 2003: 30

برقراری رابطه بین کیفیت زندگی و محیط زندگی شهری و روابط بین مولفه‌های مختلف در مطالعات تجربی دارد. این چارچوب مفهومی که در شکل (۳) نشان داده شده است، کیفیت زندگی را در کانون توجه قرار می‌دهد، در حالی که به کنش متقابل بین انسان و محیط شهری روزمره توجه دارد.

با توجه به شکل (۲) اگر فردی شرایط عینی و ذهنی خوبی داشته باشد، در حالت «بهزیستی» است. اگر هر دو شرایط بد باشند، حالت «محرومیت» وجود دارد. اگر شرایط عینی خوب و شرایط ذهنی بد باشد، «ناهماهنگی» و اگر شرایط عینی بد و شرایط ذهنی خوب باشد، «انطباق» است.

با توجه به مطالعات انجام شده، چارچوبی برای مطالعه کیفیت زندگی ارایه شده که در آن سعی بر



شکل شماره ۳- چارچوب مفهومی تحقیق

۳- یافته‌های تحقیق

با توجه به ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی، یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده در شهر نورآباد به شرح زیر است.

۳-۱- کیفیت ذهنی زندگی

کیفیت ذهنی زندگی در شهر نورآباد بر حسب پاسخ شهودی و منطقی اندازه‌گیری شده است. بدین منظور در ابتدای پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شد تا میزان رضایت از کیفیت کلی زندگی خود را بیان کنند. پاسخ به این سوال، به عنوان کیفیت زندگی شهودی در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی منطقی در انتهای پرسشنامه سوال دیگری در نظر گرفته شد. در این سوال از پاسخگویان خواسته شد که با در نظر گرفتن همه قلمروهای زندگی مطرح شده در پرسشنامه، میزان رضایت خود را از کیفیت کلی زندگی اظهار کنند. کیفیت زندگی منطقی پس از اینکه میزان رضایت افراد از قلمروهای مختلف زندگی مورد سوال قرار گرفت، اندازه‌گیری می‌شود. هدف از انجام این کار بررسی این

در این مطالعه، محیط اشاره به محیط شهری محلی دارد، جایی که مردم زندگی می‌کنند. چنین محیطی، یک محیط مصنوع است که دارای فشار بالای جمعیتی است. محیط نیز در مفهوم گسترده آن مطرح است که شامل مجموع ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی نواحی شهری است. این چارچوب، کیفیت عینی محیط زندگی و ارزیابی ذهنی مردم از چنین شرایطی را با هم ترکیب می‌کند. وضعیت بیرونی محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی کیفیت عینی زندگی را نیز در بر می‌گیرند و رضایت از چنین شرایطی کیفیت ذهنی زندگی را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، برای اندازه‌گیری کیفیت عینی زندگی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی زندگی شهری استفاده شده است. در حالی که برای اندازه‌گیری کیفیت ذهنی زندگی، ادراک و ارزیابی شهروندان از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی زندگی شهری مبنا قرار گرفته شده است.

از کیفیت زندگی خود به طور کامل ناراضی و ۷/۴ درصد پاسخگویان نیز به طور کامل راضی بودند. به طور کلی ۴۶ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۳۱/۸ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند، و ۲۲/۲ درصد پاسخگویان نیز در طبقه خنثی قرار گرفتند.

با تکرار همین سوال در انتهای پرسشنامه مشخص شد که پاسخگویانی که به طور کامل از کیفیت زندگی ناراضی هستند به ۲/۳ درصد کاهش پیدا کرده است. در طرف مقابل افرادی که از کیفیت زندگی به طور کامل راضی بودند به ۹/۷ درصد افزایش یافته است. به طور کلی ۵۹/۱ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی راضی و ۲۷/۳ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند. علاوه بر این، میانگین رضایت از ۵/۳۵ به ۶/۰۶ افزایش یافته است. بنابراین می‌توان پیداست که نظرات پاسخگویان در مورد رضایت از کیفیت زندگی پس از پاسخ دادن به مجموعه‌ای از سؤال‌های در مورد قلمروهای مختلف زندگی تغییر کرده است.

موضوع است که آیا تغییری در نظرات مردم در مورد کیفیت زندگی آنها پس از درک میزان رضایت از قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد یا نه. بنابراین، کیفیت زندگی منطقی با سؤال‌هایی در مورد رضایت از قلمروهای مختلف زندگی تحت تاثیر قرار گرفته و نسبت به کیفیت زندگی شهودی، به خوبی مورد تفکر و ادراک قرار گرفته است.

آماره‌های توصیفی برای ارزیابی کیفیت ذهنی زندگی در سطح شهر نورآباد محاسبه شده است. نظرات پاسخگویان با استفاده از طیف لیکرت ۱۱ مقیاسی اندازه‌گیری شده، که عدد ۰ نشان دهنده نارضایتی کامل و عدد ۱۰ نشان دهنده رضایت کامل است. جدول (۱) درصد پاسخگویان در شهر نورآباد نشان می‌دهد که براساس پاسخ‌ها در سطوح مختلف کیفیت زندگی طبقه‌بندی شده‌اند. وقتی که از پاسخگویان در مورد کیفیت شهودی زندگی خود سوال شد، مشخص شد که ۶/۸ درصد افراد

جدول شماره ۱- رضایت از کیفیت زندگی

کیفیت زندگی منطقی		کیفیت زندگی شهودی		میزان رضایت از کیفیت زندگی
درصد	تجمعی	درصد	تجمعی	
۲/۳	۲/۳	۶/۸	۶/۸	کاملاً ناراضی (۰)
۴/۰	۱/۷	۹/۱	۲/۳	(۱)
۹/۷	۵/۷	۱۴/۸	۵/۷	(۲)
۱۵/۹	۶/۳	۲۳/۹	۹/۱	(۳)
۲۷/۳	۱۱/۴	۳۱/۸	۸/۰	(۴)
۴۰/۹	۱۳/۶	۵۴/۰	۲۲/۲	نه ناراضی، نه راضی (۵)
۵۴/۵	۱۳/۶	۶۵/۹	۱۱/۹	(۶)
۶۸/۲	۱۳/۶	۷۶/۱	۱۰/۲	(۷)
۸۰/۱	۱۱/۹	۸۹/۲	۱۳/۱	(۸)
۹۰/۳	۱۰/۲	۹۲/۶	۳/۴	(۹)
۱۰۰/۰	۹/۷	۱۰۰/۰	۷/۴	کاملاً راضی (۱۰)
۶/۰۶		۵/۳۵		میانگین (لیکرت)
۲/۵۲		۲/۶۴		انحراف استاندارد

۳-۲- رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت زندگی

میزان رضایت از شاخص‌های مربوط به قلمروهای سه گانه زندگی مورد سوال قرار گرفت. این به ما کمک می‌کند تا میزان رضایت پاسخگویان را از شاخص‌های مختلف هر قلمرو ارزیابی کنیم. در قلمرو «محیط فیزیکی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $6/85$ مربوط به وضعیت مسکن و کمترین میزان رضایت با ارزش میانگین $4/75$ مربوط به فضای سبز و پارک‌ها است. در قلمرو «محیط اقتصادی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $4/40$ مربوط به امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی و پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به فرصت‌های شغلی با ارزش میانگین $3/34$ است. در قلمرو «محیط اجتماعی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $7/56$ مربوط به سلامت و پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به قابل اعتماد بودن مردم شهر با ارزش میانگین $4/40$ است.

به طور کلی، بررسی ارزش‌های میانگین مربوط به شاخص‌های مختلف قلمروهای سه گانه نشان می‌دهد که

پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به رضایت از فرصت‌های شغلی و سپس رضایت از توزیع درآمد و ثروت است. رضایت از امکانات تفریحی و رضایت از وضعیت اقتصادی نیز دارای کمترین ارزش میانگین هستند. بنابراین، می‌توان به‌طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر نورآباد را مشاهده کرد. دلیل واضحی برای این مسأله، نرخ بیکاری 18 درصدی این شهر در سال 1385 بوده (سازمان آمار ایران، 1385)، که بالاترین میزان بیکاری در استان لرستان است و این درحالی‌است که استان لرستان خود دارای بالاترین میزان بیکاری در میان استان‌های کشور است. بالاترین میزان رضایت در میان قلمروهای سه گانه مربوط به سلامت و سپس امید به آینده و رضایت از وضعیت مسکن است. احساس امنیت و کیفیت آب نیز دارای بالاترین ارزش‌های میانگین هستند. آمار توصیفی رضایت از معرف‌های مختلف قلمروهای سه گانه به‌طور مفصل در جدول (۲) آمده است.

جدول شماره ۲- ارزش‌های میانگین رضایت از شاخص‌های مختلف قلمروهای سه گانه

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌ها	قلمرو
$2/64$	$6/44$	رضایت از محله	محیط فیزیکی
$2/55$	$6/85$	رضایت از وضعیت مسکن	
$2/86$	$4/75$	رضایت از فضای سبز و پارک‌ها	
$2/86$	$5/35$	رضایت از جمع‌آوری و دفع زباله	
$2/71$	$5/35$	رضایت از حمل و نقل عمومی	
$2/74$	$5/02$	رضایت از وضعیت خیابان‌ها	
$2/80$	$6/45$	رضایت از کیفیت آب	
$3/39$	$5/92$	رضایت از وضعیت ترافیک	
$2/93$	$5/64$	رضایت از آرامش و سکون	

ادامه جدول شماره ۲- ارزش‌های میانگین رضایت از شاخص‌های مختلف قلمروهای سه گانه

۲/۵۳	۳/۳۴	رضایت از فرصت‌های شغلی	محیط اقتصادی
۲/۴۶	۳/۷۶	رضایت از وضعیت اقتصادی	
۲/۳۷	۳/۵۳	رضایت از توزیع درآمد و ثروت	
۲/۶۸	۴/۳۱	رضایت از امکانات آموزشی	
۲/۵۵	۴/۴۰	رضایت از امکانات بهداشتی	
۲/۶۷	۳/۶۷	رضایت از امکانات تفریحی	
۲/۴۱	۶/۵۲	رضایت از احساس امنیت فردی	محیط اجتماعی
۲/۳۹	۷/۵۶	رضایت از وضعیت سلامت	
۲/۲۵	۶/۰۵	رضایت از خشنودی	
۲/۹۰	۶/۳۶	رضایت از احساس تعلق	
۲/۷۴	۵/۲۰	رضایت از روابط با همسایه‌ها	
۲/۶۰	۴/۴۰	رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر	
۲/۹۲	۶/۹۶	امید به آینده	
۲/۳۵	۵/۷۸	رضایت از موفقیت‌های زندگی	

۳-۳- ابعاد کیفیت ذهنی زندگی

عامل است. این ۶ عامل ۶۲/۷ درصد کل واریانس را تبیین کرده است.

عامل اول: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های قلمرو محیط فیزیکی نشان می‌دهد، و این عامل می‌تواند به‌عنوان «توسعه کالبدی» نام گذاری شود.

عامل دوم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اقتصادی دارد، و می‌توان این عامل را به‌عنوان «رضایت از امکانات» نام گذاری کرد.

عامل سوم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اجتماعی دارد و می‌توان این عامل را به‌عنوان «سرمایه اجتماعی» نام گذاری کرد.

عامل چهارم: این عامل بالاترین بارها را با شاخص‌های امید به آینده، رضایت از موفقیت‌های زندگی و خشنودی دارد، بنابراین می‌توان این عامل را به‌عنوان «بهزیستی ذهنی» نام گذاری کرد.

همان‌طور که بیان شد، کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است. در این مطالعه از تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت ذهنی زندگی با توجه به ۲۵ معرف ذهنی مورد بررسی در پیمایش خانوارها استفاده شده است. بطور کلی تحلیل عاملی، تکنیکی آماری است که معمولاً برای استخراج زیر مجموعه‌های غیرهمبسته معرف‌هایی که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کند، استفاده شده است. ارزش KMO برای این مطالعه ۰.۸۷ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری در حدود ۰.۰۰ است، که نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج تحلیل عاملی در جدول (۳) نشان داده شده است. تعداد عامل‌های استخراج شده بوسیله معیار مقدار ویژه و اسکری پلات ۶

عامل پنجم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های مسکن، محله و سلامت دارد و می‌توان این

عامل را به عنوان «محیط محلی» نام گذاری کرد.

جدول شماره ۳- ماتریس بارهای عاملی برای کیفیت ذهنی زندگی

عامل‌ها						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						حمل و نقل عمومی
						روشنایی خیابان‌ها
						پاکیزگی خیابان‌ها
						جمع آوری و دفع زباله
						وضعیت خیابان‌ها
						کیفیت آب
						فضای سبز و پارک‌ها
						رضایت از فرصت‌های شغلی
						رضایت از امکانات بهداشتی، درمانی
					۰/۷۳	رضایت از وضعیت اقتصادی
					۰/۷۳	رضایت از توزیع ثروت و درآمد
					۰/۶۹۹	رضایت از امکانات آموزشی
					۰/۶۹	رضایت از امکانات فراغتی
				۰/۷۴۷	۰/۶۵۶	رضایت از روابط با خویشاوندان، دوستان و همسایه‌ها
				۰/۶۷۸	۰/۵۸۷	احساس تعلق به شهر نورآباد
				۰/۶۶۷	۰/۵۶۸	احساس امنیت
				۰/۶۳۷		اعتماد به مردم شهر
				۰/۶۲۹		امید به آینده
		۰/۸۱۸	۰/۷۳۷			رضایت از موفقیت‌های زندگی
		۰/۶۶	۰/۶۷۲		۰/۵۳۲	خشنودی
		۰/۵۶۴	۰/۶۰۲			رضایت از وضعیت خانه
	۰/۷۳۶		۰/۴۹۳			رضایت از محله
	۰/۷۰					رضایت از سلامت
	۰/۵۵۵					ترافیک خیابان‌ها
۰/۷۹۴						آرامش و سکون
۰/۵۳۹						
۱/۱۳۵	۱/۱۹۴	۱/۳۷۸	۱/۵۱۲	۲/۱۱۸	۸/۳۴۶	مقدار ویژه
۶/۵۶۹	۸/۳۷۹	۸/۶۹	۸/۶۹۱	۱۴/۸۲۶	۱۵/۵۸۱	درصد واریانس
۶۲/۷۳۵						مجموع واریانس تبیین شده (%)

Extraction Method: Principal Component Analysis
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

تیین می‌کنند از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. کیفیت زندگی منطقی به عنوان متغیر وابسته و شش عامل کیفیت ذهنی زندگی شامل توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری به عنوان پیش‌بینی کننده‌ها استفاده شده‌اند. در این مدل، پنج فاکتور بهزیستی ذهنی، محیط محلی، سرمایه اجتماعی، رضایت از امکانات و توسعه کالبدی در جمع، حدود ۶۳/۵ درصد واریانس کیفیت زندگی منطقی را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۴) نشان داده شده‌اند.

عامل ششم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های ترافیک خیابان‌ها و آرامش و سکون دارد و می‌توان این عامل را به عنوان «آرامش شهری» نام گذاری کرد.

فاکتور نخست، مهمترین فاکتور است، که ۱۵/۵۸۱ درصد واریانس را تبیین می‌کند. میزان پایایی برای معرف‌های کیفیت ذهنی زندگی در این مطالعه ۰.۹۱ است.

برای تعیین مهمترین قلمروهای کیفیت ذهنی زندگی که واریانس رضایت از کیفیت زندگی را در شهر نورآباد

جدول شماره ۴- پیش‌بینی کننده‌های کیفیت ذهنی زندگی در شهر نورآباد

معناداری	t	Beta	R ² تعدیل یافته	R ²	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰	۱۸/۳۶	۰/۵۹۲	۰/۳۴۹	۰/۳۵۱	بهزیستی ذهنی
۰/۰۰	۱۳/۲۱	۰/۴۲۶	۰/۱۸۱	۰/۱۸۱	محیط محلی
۰/۰۰	۶/۴۴	۰/۲۰۸	۰/۰۴۲	۰/۰۴۳	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰	۶/۳۴	۰/۲۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۴۲	رضایت از امکانات
۰/۰۰	۴/۶۸	۰/۱۵۱	۰/۰۲۲	۰/۰۲۳	توسعه کالبدی

روش زبردست (۲۰۰۹) استفاده شده است. به‌عنوان

مثال، متغیر وضعیت شغلی دارای دو نوع شاغل و بیکار است.

این انواع با فرض اینکه پاسخگویان شاغل کیفیت زندگی نسبتاً بالاتری نسبت به پاسخگویان بیکار دارند، به حداقل امتیاز ۰ و حداکثر امتیاز ۱۰ تبدیل شده‌اند. فاصله زمانی بین محل سکونت پاسخگویان تا خدمات عمومی از قبیل مدرسه ابتدایی، پزشک و ... نیز برای به‌دست آوردن متغیرهای دسترسی استفاده شده است.

۳-۴- ابعاد عینی کیفیت زندگی

به منظور شناسایی ابعاد کیفیت عینی زندگی در شهر نورآباد از تحلیل عاملی استفاده شد. قبل از تحلیل، آماده سازی داده‌ها برای ۲۰ متغیر عینی انجام شد. متغیرها شامل خصوصیات فردی و متغیرهای مکانی است. برخی از خصوصیات فردی انتخاب شده مانند وضعیت شغلی، میزان تحصیلات و مالکیت مسکن متغیرهای اسمی هستند. این معرف‌ها براساس سهم خود در کیفیت زندگی به امتیاز ۰ تا ۱۰ تبدیل شده‌اند. برای این کار از

همسایه‌ها نشان می‌دهد. این دو متغیر به طور مثبتی با این عامل همبستگی دارند. بنابراین، امتیاز بالاتر در این عامل، نشان دهنده جنبه‌های اجتماعی بالاتر کیفیت زندگی است.

عامل چهارم: این عامل می‌تواند به‌عنوان عامل «جمعیت شناختی» تعریف شود، زیرا بارای بالایی را با تعداد افراد خانوار و میزان تحصیلات نشان می‌دهد. متغیر اول به طور منفی و متغیر دوم به طور مثبتی با این عامل همبسته هستند. بنابراین، امتیاز بالاتر در این عامل نشان دهنده میزان تحصیلات بالاتر و تعداد افراد کمتر ساکن در یک واحد مسکونی است.

عامل پنجم: این عامل می‌تواند به‌عنوان «وضعیت اقتصادی» تعریف شود، زیرا بارهای بالایی را برای وضعیت شغلی، درآمد ماهیانه و مدت زمان انجام فعالیت‌های تفریحی نشان می‌دهد. همه متغیرها به طور مثبتی با عامل وضعیت اقتصادی همبستگی دارند. امتیاز بالاتر در این فاکتور، جنبه‌های اقتصادی بالاتر کیفیت زندگی را نشان می‌دهد.

عامل ششم: این عامل می‌تواند به‌عنوان «کیفیت مسکن» تعریف شود، زیرا بارهای عاملی بالایی را با تعداد اتاق در هر واحد مسکونی و وضعیت مالکیت مسکن نشان می‌دهد. این دو متغیر به طور مثبتی با این عامل همبستگی دارند، که نشان دهنده امتیاز بالاتر این شاخص‌ها برای امتیاز بالاتر قلمرو مسکن کیفیت زندگی است.

عامل‌هایی که در جدول (۵) نشان داده شده‌اند، به‌عنوان ابعاد کیفیت عینی زندگی در شهر نورآباد مورد نظر قرار گرفته‌اند. این ۶ عامل ۵۹/۹۶ درصد کل واریانس در مجموعه داده‌ها را تبیین می‌کنند. عامل نخست ۲۳/۶۵۷ درصد واریانس را تبیین می‌کند. ارزش KMO برای این مطالعه ۰/۷۸۵ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری در حدود ۰/۰۰ است که نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است.

نامگذاری این ۶ عامل برای تعیین ابعاد کیفیت عینی زندگی در شهر نورآباد به شرح زیر است:

عامل نخست: این عامل می‌تواند به‌عنوان «دسترسی به خدمات عمومی» تعریف شود، زیرا این عامل بارهای بالایی را بر فاصله زمانی دسترسی به خدماتی از قبیل بازار، داروخانه، بانک، پزشک، پلیس، پست، مدارس نشان می‌دهد. امتیاز بالاتر در این عامل، نشان دهنده دسترسی بهتر به خدمات عمومی است.

عامل دوم: این عامل می‌تواند به‌عنوان «فعالیت‌های فرهنگی - ورزشی» تعریف شود، زیرا بارهای بالایی را بر مدت زمان انجام فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی را نشان می‌دهد. همه متغیرها به طور مثبتی با این عامل همبستگی دارند. امتیاز بالاتر در این عامل، نشان دهنده جنبه‌های اجتماعی بالاتر کیفیت زندگی است.

عامل سوم: این عامل می‌تواند به‌عنوان «روابط اجتماعی» تعریف شود، زیرا بارهای بالایی را با متغیرهای حمایت عملی از همسایه‌ها و دریافت حمایت عملی از

جدول شماره ۵- ماتریس بارهای عاملی برای کیفیت عینی زندگی

فاکتورها						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						فاصله تا بازار اصلی شهر
						فاصله تا داروخانه
						فاصله تا بانک
						فاصله تا پزشک عمومی
						فاصله تا اداره پست
						فاصله تا اداره پلیس
					۰/۸۸۹	فاصله تا سوپرمارکت
					۰/۸۸۵	فاصله تا کودکستان یا مدرسه ابتدایی
					۰/۸۶۹	مدت زمان انجام فعالیت های اجتماعی و داوطلبانه
					۰/۷۹۲	مدت زمان انجام فعالیت های فرهنگی
					۰/۷۶۲	مدت زمان انجام فعالیت های ورزشی
					۰/۷۴۴	دریافت حمایت از همسایه ها
					۰/۵۵۱	حمایت از همسایه ها
				۰/۷۷۱	۰/۴۶۳	تعداد افراد خانوار
				۰/۶۸۴		میزان تحصیلات
			۰/۸۵۳	۰/۶۵۱		درآمد ماهیانه
		۰/۷۱۲	۰/۷۹۶			وضعیت شغلی
	۰/۶۶۸	۰/۶۲۲				مدت زمان انجام فعالیت های تفریحی
	۰/۶۶۴					مالکیت مسکن
۰/۷۲۲	۰/۴۷۷					تعداد اتاق
۰/۶۰۷						مقدار ویژه
۱/۰۶۳	۱/۲۱۲	۱/۴۹	۱/۶۸۴	۱/۸۱۲	۴/۷۳۱	درصد واریانس
۵/۶۹	۶/۵۳	۷/۲۱	۸/۱۹	۹/۳۶	۲۴/۲۷	مجموع واریانس تبیین شده (%)
۵۹/۹۶						

ارایه شده توسط لی و ونگ (Li and Weng, 2007:255) استفاده شده است. در این روش شاخص تجمعی با استفاده از امتیاز ابعاد کیفیت عینی زندگی و با تخمین تحلیل عاملی تهیه شده است. هر عامل به عنوان یک جنبه از کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. شاخص

۳-۵- شاخص تجمعی کیفیت عینی زندگی

یکی از اهداف این مطالعه ایجاد شاخص تجمعی کیفیت زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی است. این شاخص برای طراحی مطالعات آینده کیفیت زندگی شهری در منطقه کمک شایانی خواهد کرد. برای به دست آوردن شاخص تجمعی کیفیت عینی زندگی از روش

کیفیت عینی زندگی برای شهر نورآباد از طریق وزن دهی ابعاد با واریانس عامل‌های مربوطه ایجاد شده است.

شاخص تجمعی کیفیت زندگی ترکیبی از شش عاملی است که جنبه‌های گوناگون کیفیت زندگی را نشان می‌دهند. عامل اول یعنی دسترسی به خدمات عمومی سهم منفی در کیفیت زندگی دارد. به عبارت ساده‌تر با افزایش فاصله زمانی دسترسی خانوارها به خدمات عمومی کیفیت عینی زندگی آنها پایین‌تر و با کاهش فاصله زمانی دسترسی به خدمات عمومی، کیفیت عینی زندگی افزایش می‌یابد. سایر عامل‌ها همبستگی مثبتی با کیفیت زندگی دارند. بنابراین، شاخص تجمعی کیفیت زندگی در شهر نورآباد برای هر پاسخگو از طریق وزن دهی امتیاز هر فاکتور به وسیله واریانس مربوطه به شرح زیر به دست آمده است:

$$QOL_i = (-24/271 * factor_1 + 9/365 * factor_2 + 8/196 * factor_3 + 7/21 * factor_4 + 6/535 * factor_5 + 5/698 * factor_6)$$

کیفیت ذهنی زندگی افراد می‌تواند متاثر از فاکتورهای فردی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیت شناختی باشد. در این راستا آنالیز واریانس یک طرفه و T-test برای مقایسه تغییرات کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان در طبقات مختلف به کار گرفته شده است. این مسأله به تشخیص معناداری آماری تغییرات کیفیت ذهنی زندگی با خصوصیات شخصی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیت شناختی پاسخگویان کمک می‌کند.

در اینجا فرض صفر این است که امتیاز میانگین پاسخگویان در طبقات مختلف برابر است. زمانی از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده که امتیاز کیفیت ذهنی زندگی بیش از دو طبقه مقایسه شده اند. برای آنالیز واریانس یک طرفه، سطح معناداری ۰/۰۵

تجمعی که از طریق فرمول زیر به دست آمده، ترکیبی از جنبه‌های گوناگون است.

$$QOL = \sum_{i=1}^n F_i W_i$$

n تعداد عامل‌های انتخاب شده، F_i امتیاز عامل i و W_i درصد واریانس تبیین شده به وسیله عامل i است. همان‌طوری که لی و ونگ بیان کرده‌اند، یکی از مشکلات اساسی برای به دست آوردن شاخص تجمعی کیفیت زندگی کمبود معیارهای لازم برای وزن دهی شاخص‌ها است، به همین جهت عامل‌ها به عنوان شاخص‌های ترکیبی مورد نظر است و درصد واریانسی که یک عامل تبیین می‌کند، به عنوان وزن بکار رفته است. به پیروی از لی و ونگ در این مطالعه، شاخص تجمعی

امتیاز کیفیت عینی زندگی که از طریق اجرای معادله بالا برآورد شده است، بین ۰/۶۴۱ و ۱/۴۰۴- تغییر می‌کند. بنابراین از تکنیک استاندارد سازی مینیمم-ماکزیمم برای تبدیل امتیاز کیفیت عینی زندگی به دامنه ۰ تا ۱۰ که مشابه دامنه مقیاس امتیاز کیفیت ذهنی زندگی در این مطالعه است، استفاده شده است.

$$SOQOL = 10 * [(OQOL - OQOL_{\min}) / (OQOL_{\max} - OQOL_{\min})]$$

استاندارد سازی به تسهیل قابلیت قیاس شاخص عینی با امتیاز کیفیت ذهنی زندگی کمک خواهد کرد. امتیاز ۰ نشان دهنده پایین‌ترین کیفیت عینی زندگی و امتیاز ۱۰ نشان دهنده بالاترین کیفیت عینی زندگی است.

۳-۶- تاثیر خصوصیات فردی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی بر کیفیت زندگی

در این مطالعه برای مقایسه امتیازات کیفیت ذهنی زندگی و شاخص تجمعی کیفیت عینی زندگی هر خانوار از ضریب همبستگی استفاده شد. ضریب همبستگی ۰/۱۰۲ (سطح معناداری ۰/۰۵۷) است. بنابراین، ضریب همبستگی بین ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی بسیار پایین است. نتیجه همبستگی مشابه یافته‌های مک کری و همکاران (McCrea et al., 2006:79)، و داس (Das, 2008:308) است.

مقایسه بین کیفیت عینی و ذهنی زندگی در سطح خانوارها براساس حالات چهارگانه مطرح شده بوسیله نول (Noll, 2000) با استفاده از جدول متقاطع انجام گرفت. وضعیت کیفیت زندگی هر خانوار به عنوان یکی از چهار حالت بهزیستی، محرومیت، انطباق و ناهماهنگی شناسایی شد. امتیاز ۵ برای تمایز میان کیفیت زندگی «خوب» و «بد» به کار رفت.

جدول شماره ۶- طبقه‌بندی خانوارها در حالات چهارگانه کیفیت زندگی (فراوانی)

مجموع	کیفیت ذهنی زندگی		کیفیت عینی زندگی	
	بد	خوب	خوب	بد
۱۷۴	۸۶	۸۸	خوب	کیفیت عینی زندگی
۱۷۸	۱۰۶	۷۲	بد	
۳۵۲	۱۹۲	۱۶۰	مجموع	

نتایج به دست آمده در جدول (۶) نشان می‌دهد که ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی و ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند؛ در حالی که ۲۴/۴ درصد آنها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته‌اند.

انتخاب شده است. T-test نیز برای مقایسه امتیاز کیفیت ذهنی زندگی دو طبقه‌ای (مثل جنسیت) استفاده شده است. به طور کلی، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، وضعیت مالکیت مسکن، درآمد خانوار، وضعیت شغلی و سن به طور معناداری کیفیت زندگی را در شهر نورآباد تحت تاثیر قرار می‌دهند. افراد با درآمد تحصیلات بالاتر، دارای شغل و مسکن کیفیت زندگی بالاتری دارند. با این وجود جنسیت، بعد خانوار و تعداد اتاق تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی پاسخگویان در شهر نورآباد ندارند.

۳-۷- تلفیق ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی

استفاده همزمان از رویکردهای عینی و ذهنی برای ارزیابی کیفیت زندگی ضروری است، هرچند که آنها غالباً همبستگی پایینی با هم دارند (Rapley, 2003: 30).

اگر هر دو شرایط عینی و ذهنی خوب باشد، حالت بهزیستی است، در حالیکه اگر هر دو شرایط بد باشند، حالت محرومیت است؛ اگر شرایط عینی خوب اما ذهنی بد باشد، حالت ناهماهنگی و اگر شرایط عینی بد و ذهنی خوب باشد، حالت انطباق وجود دارد.

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۴-۱- توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی

نقطه شروع توسعه اجتماعات انسانی شکل گرفتن درک درستی از نیازهای مردم و پس از آن پایش دستاوردهای توسعه است. سنجش کیفیت زندگی ابزار مناسبی برای چنین درکی عرضه می‌کند، زیرا مطالعه کیفیت زندگی راهی بین مسولان محلی و شهروندان برای تعاملی سازنده که منجر به تفسیر و بحث در مورد موضوعات کلیدی موثر بر زندگی مردم می‌شود، باز می‌کند. معمول‌ترین شیوه برای سنجش کیفیت زندگی، توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی است. در بسیاری از کشورها مجموعه‌های از شاخص‌ها برای سنجش و پایش کیفیت زندگی در سطوح ملی، منطقه‌ای، شهری و محلی ایجاد شده است. با در نظر گرفتن مقیاس ملی، منطقه‌ای، شهری و یا محلی، هر مطالعه ایده آل کیفیت زندگی شامل دو مرحله اساسی است. مرحله اول، در برگیرنده مبنای نظری مطالعه از طریق تعیین قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی است. این مرحله عمدتاً مرحله تعیین معیارها است و منتج به تهیه پرسشنامه می‌شود. مرحله دوم، مرحله‌ای است در آن انجام پیمایش، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل نتایج صورت می‌گیرد. این مرحله منتج به بحث و نتیجه‌گیری در مورد کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه می‌شود.

در فاز اول این مطالعه، از دو رویکرد حرفه‌ای (بالا به پایین) و مشارکتی (پایین به بالا) برای توسعه قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد استفاده شده است. رویکرد بالا به پایین مبتنی بر نظرات متخصصان حوزه‌های مختلف، اطلاعات حاصل از مرور ادبیات مربوطه و مطالعات موردی است. رویکرد مشارکتی برای توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی

فرایندی باز و پیوند یافته با نظرات ساکنان محلی را ارایه می‌کند. این رویکرد در تلاش برای درک اجتماع از طریق چشمان اعضای جامعه و تمرکز توجه بر اولویت‌های مردم است. بنابراین، مردم به طور موثری در توسعه قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی، تعیین اولویت‌ها و تاثیر گذاری بر تصمیماتی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشارکت دارند. با این فرض که این دو رویکرد مکمل یکدیگر در توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی هستند، به منظور توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد هر دو رویکرد استفاده شده‌اند. در حالی که رویکرد حرفه‌ای مجموعه اولیه قلمروها و شاخص‌ها را پیشنهاد کرده است، رویکرد مشارکتی برای بررسی تناسب مجموعه اولیه قلمروها و شاخص‌ها و توسعه قلمروها و شاخص‌های نهایی برای سنجش کیفیت زندگی در تعامل با نظرات شهروندان محلی استفاده شده است.

۴-۲- کیفیت ذهنی زندگی

کیفیت ذهنی زندگی بر حسب پاسخ شهودی و منطقی افراد اندازه‌گیری شده است. میانگین امتیازات پاسخ شهودی و منطقی پاسخگویان نشان می‌دهد که حدود یک سوم افراد از کیفیت زندگی خود ناراضی هستند. بر حسب پاسخ منطقی، حدود ۹/۷ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی خود به طور کامل راضی و حدود ۳/۲ درصد به طور کامل ناراضی هستند. همچنین ۸۷/۱ درصد باقیمانده پاسخگویان نیز میزان رضایتی بین این دو کران بالا و پایین را اظهار کرده‌اند. علاوه بر این، نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که خروجی مطالعه کیفیت زندگی می‌تواند براساس این که پاسخ شهودی یا منطقی برای سنجش کیفیت ذهنی زندگی بکار رفته، متفاوت باشد.

شش گانه، شاخص تجمعی کیفیت عینی زندگی ایجاد شده است.

تاثیر ترکیبی کیفیت عینی و ذهنی زندگی با استفاده از امتیاز کیفیت ذهنی زندگی و شاخص تجمعی کیفیت عینی زندگی مطالعه شده است. تاثیر ترکیبی ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی در شهر نورآباد یکی از چار حالت بهزیستی، محرومیت، ناهماهنگی و انطباق را برای هر کدام از خانوارهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی و ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند. در حالی که ۲۴/۴ درصد آنها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته‌اند. نتایج این مطالعه نیاز به مطالعه همزمان ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی را نشان می‌دهند.

۴-۴- تاثیر خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی

دانستن این که کدام یک از خصوصیات پاسخگویان تاثیر معناداری بر کیفیت زندگی در شهر نورآباد دارند، مهم است. آنالیز واریانس یک طرفه و T-test برای مقایسه امتیاز میانگین کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان در طبقات مختلف محاسبه شده است. فهمیده شد، که تفاوت آماری معناداری در کیفیت زندگی پاسخگویان با سطوح مختلف سطح تحصیلات، مالکیت مسکن، درآمد، وضعیت شغلی و سن وجود دارد. به طور کلی، کیفیت زندگی با افزایش میزان تحصیلات، درآمد خانوار، مالکیت مسکن و شاغل بودن افزایش می‌یابد.

۵- پیشنهادها

به طور کلی، باید گفت که برنامه‌ریزی توسعه در شهر نورآباد باید هدفمند و متناسب با میزان دسترسی به منابع

نتایج مربوط به رضایت از قلمروهای سه گانه محیط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در شهر نورآباد نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به رضایت از فرصت‌های شغلی است و به دنبال آن رضایت از توزیع درآمد و ثروت، رضایت از امکانات تفریحی و رضایت از وضعیت اقتصادی دارای کمترین ارزش میانگین هستند. بنابراین، می‌توان به طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر نورآباد را مشاهده کرد. نتایج به دست آمده از تحلیل سؤال‌های باز این مطالعه نیز نشان می‌دهد که بیکاری مشکل اساسی این شهر است که منجر به شکل‌گیری مشکلات اجتماعی عدیده‌ای از قبیل اعتیاد به مواد مخدر در میان جوانان شده است. ضعف زیر ساخت‌ها و امکانات عمومی نیز بسیار چشم‌گیر است.

۴-۳- ترکیب ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی

در سطح شهر نورآباد، شش بعد کیفیت ذهنی زندگی شامل توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری شناسایی شده است. هم چنین، مدل ساده‌ای از کیفیت ذهنی زندگی با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام ایجاد شده است. این مدل که کیفیت زندگی منطقی، متغیر وابسته و فاکتورهای کیفیت ذهنی زندگی مستخرج از تحلیل عاملی متغیرهای مستقل آن هستند، ۶۳/۵ درصد واریانس کیفیت زندگی منطقی در شهر نورآباد را تبیین می‌کند. این مدل می‌تواند در مطالعات آینده کیفیت زندگی در شهر نورآباد بکار رود.

ابعاد کیفیت عینی زندگی در شهر نورآباد شامل دسترسی به خدمات عمومی، فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، روابط اجتماعی، جمعیت شناختی، وضعیت اقتصادی و کیفیت مسکن است. با استفاده از این ابعاد

منابع

- ۱- رضوانی، محمدرضا، شکبیا، علیرضا، منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش ۳۰ و ۳۱.
- ۲- رضوانی، محمد رضا، منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). «سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها و ارایه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی» فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، ش ۳.
- ۳- غفاری، غلامرضا، امید، رضا. (۱۳۸۷). «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش ۳۰ و ۳۱.
- ۴- غفاری، غلامرضا، امید، رضا. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیرازه.
- ۵- گروسی، سعیده، نقوی، علی. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، ش ۳۰ و ۳۱.
- 6- Bramston, P., Pretty, G. and Chipuer, H., 2002. Unravelling subjective quality of life: An investigation of individual and community determinants, *Social Indicators Research*, 59.
- 7- Brereton, F., Clinch, J.P. and Ferreira, S., 2008, Happiness, geography and the environment, *Ecological Economics*, 65(2).
- 8- Camagni, R., Capello, R., & Nijkamp, P., 1998, Towards Sustainable City Policy: an economy environment technology nexus, *Ecological Economics*, 24.
- 9- Costanza, R. 2007, Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
- 10- Cummins, R. 1997, The Comprehensive Quality of Life Scale: Intellectual Disability, Fifth Edition, Toorak, Deakin University School of Psychology.

محلّی و نیازهای عینی و ذهنی مردم باشد، تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی ساکنان این شهر کمک کند. همچنین، لازم است بهبود کیفیت زندگی به عنوان هدف اصلی طرح‌های توسعه شهری و منطقه‌ای محسوب شود. در این راستا پیشنهادهای زیر می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی در این شهر موثر باشد:

۱-۵- انجام مطالعات جامع در مورد منابع مادی و انسانی موجود در ناحیه؛

۲-۵- تدوین شیوه‌های بهره برداری از این منابع برای توسعه جامعه محلی با بکارگیری امکانات مختلف؛

۳-۵- جهت‌گیری برنامه‌های توسعه به سمت تحول اقتصادی و رفع مشکل بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید؛

۴-۵- استفاده از مدیران متخصص در بخش‌های اقتصادی؛

۵-۵- جذب سرمایه گذاری‌های صنعتی و کشاورزی در جهت استفاده از نیروی کار فوق‌العاده جوان؛

۶-۵- تعیین برنامه زمانی کوتاه مدت و بلند مدت به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنان و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر؛

۷-۵- بهبود وضعیت پارک‌ها، فضای سبز و خیابان‌های شهر؛

۸-۵- توسعه امکانات تفریحی به منظور استفاده جوانان و خانواده‌ها.

علاوه بر این، یافته‌های این مطالعه اهمیت مطالعه همزمان کیفیت عینی و ذهنی زندگی را به جای استفاده جداگانه از یکی از این رویکردها آشکار می‌سازد. ضمن اینکه نتایج، یافته‌ها و رویکردهای این مطالعه می‌تواند برای طراحی مطالعات آینده کیفیت زندگی شهری در ایران مفید باشد.

- 22- Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing- a social geographical perspective, *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2).
- 23- Rapley, M., 2003, *Quality of Life Research: A Critical Introduction*, SAGE Publications Ltd, London.
- 24- Rinner, C. 2007, A geographic visualization approach to multi-criteria evaluation of urban quality of life, *International Journal Geographic Information Science*, Vol.21, no.8.
- 25- Rogerson, R., 1999, Quality of life and city competitiveness, *Urban studies*, 36(5-6).
- 26- Rogerson, R., Findlay, A. and Morris, A., 1989, Indicators of quality of life: some methodological issues, In: *Environment and Planning*, 21.
- 27- R. Epley, Donald & Menon, Mohan., 2008, A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, *Social Indicators Research*, 88.
- 28- Rojas, M., 2008, Experienced Poverty and Income Poverty in Mexico: A Subjective Well-Being Approach, *World Development*, 36(6).
- 29- Santos, L. and Martins, I., 2007, Monitoring Urban Quality of Life: The Porto experience, *Social Indicators Research*, 80.
- 30- Shafer, C., Lee, B. and Turner, sh., 2000, A tale of three greenway trails: user perceptions related to quality of life, *Landscape and Urban Planning*, 49.
- 31- Talen, E. and Shah, S. 2007, Neighborhood Evaluation Using GIS: An Exploratory Study, *Environment and Behavior*, 39.
- 32- Zebardast, E., 2009, the housing domain of quality of life and life satisfaction in the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe, *Social Indicators Research*, 90.
- 11- Das, D., 2008, *Urban Quality of Life: A case study of Guwahati*, *Social Indicators Research*, 88.
- 12- Foo, T.S., 2000, Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998), *Habitat International*, 24(1).
- 13 - Hardi, P. and Pinter, L. 2006, City of Winnipeg Quality of Life Indicators, In Sirgy, M. J., Rahtz, D., and Swain, D.[eds] *Community Quality of Life Indicators: Best Cases 2*, Springer.
- 14 - Ibrahim, M. and Chung, W., 2003, Quality of life of residents living near industrial estates in Singapore, *Social Indicators Research*, 61.
- 15 - Kamp, I., K, Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003, Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2).
- 16 - Lee, Y.-J., 2008, Subjective quality of life measurement in Taipei, *Building and Environment*, 43(7).
- 17 - Li, G. and Weng, Q., 2007, Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data, *International Journal of Remote Sensing*, 28(2).
- 18 - McCrea, R., Shyy, T.-K. and Stimson, R., 2006, What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?, *Applied Research in Quality of Life*, 1(1).
- 19 - Michalos, A.C. 2003, combining social, economic and environmental indicators to measure sustainable human wellbeing, *Social Indicators Research*, 40.
- 20 - Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S. and Clinch, J.P., 2008, Ranking quality of life using subjective well-being data, *Ecological Economics*, 65(3).
- 21 - Noll, H., 2000, Social indicators and social reporting: the international experience, (www.ccsd.ca/noll1).